

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھیم از آن به که کشور به دشمن دھیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

باید کرد

دوستان ، ترک همه فتنه و شر باید کرد
به مهارت شب تاریک ، سحر باید کرد
ابر جهلی که شده مانعی خورشید خرد
اندکی صبر و تحمل که گذر باید کرد
حال هنگام ، تحرّی حقیقت کردن
ترک میراث تعصب ، ز پدر باید کرد
آنچه فرسوده شود ، دور فگندن لازم
انتخاب دگر ، از راه دگر باید کرد
دور شیرخوارگی ، یک وقت و زمانی دارد
میل قند و عسل و ، لقمه تر باید کرد
ساقیا ! باده و پیمانہ و میناست به دور
طلب بوسه ز لبهای شکر باید کرد
جام تقلید شکن ، باده توحید بنوش
تا که از خمر بقا هوش به سر باید کرد
گفته ما شنو و ، از دل و از جان بپذیر
سینه صلح ، به هر رزم سپر باید کرد
خرق احباب کن و ، برقع بینداز به دور

فرق. پندار ، ز هر ماده و نر باید کرد
هر نهالی که ندارد ثمر و سایه ، بی‌ر
بهر. هیزم شدنش ، قطع شجر باید کرد
وحدت. عالم. انسان ، درین کزّه خاک
خدمت. نوع. بشر ، بی کز و فتر باید کرد
همه از یک وطن و یک پدر و یک مادر
فرق. حرف و عدد و زیر و زبر باید کرد
راه ما ، راه محبت بُود و صلح و صفا
که ز جنگ و جدل و جهل حذر باید کرد
جوهر علم اگر زینت عقل و خردست
بی پر و بال به معراج سفر باید کرد
نور. ایمان که ازو ، عقل و خرد مایه گرفت
بی گمان عارف حق ، شق قمر باید کرد
دین ، مانند سماء و علما انجم آن
مظهر. حق ، همه را زیر و زبر باید کرد
آن (ابو علم) ، (ابو جهل) شد از ردّ رسول
قمرش شق شود از هر که شرر باید کرد
در چنین عصر تمدن که جهان دگرست
(علم) و (دین) آشتی و ، دفع خطر باید کرد
« نعمتا » آنچه که بشنیدی ، فراموش نما
همه را با خرد و علم ، نظر باید کرد

(شهر. اسن - المان ، دوم اگست 2002)